

۱- بررسی جنبه های پولی تورم

مقدمه :

مسئله تورم از عمده ترین مسایل اقتصادی دنیای امروز، از جمله در کشور ما می باشد، تا آنجا که عده ای این قرن را قرن تورم مسوس نامیده اند.

اثار نهایی مشکلات حاصله از تورم، علاوه بر ایجاد فشارهای از نظر مالی و اقتصادی، باعث بروز عوارض اجتماعی و اختلالات خانوادگی و ... در زندگی افراد می شود. لذا با توجه به تعالیم آسمانی اسلام که تاکید بر حل و فصل تنگناها و فشارهای اقتصادی و ایجاد امکانات و زمینه های مادی مناسب جهت رشد معنوی انسان ها را دارد، ضرورت بررسی و شناسایی راه های موثر در مواجهه با تورم بهتر آشکار می شود.

تورم که نوعی بیماری اقتصادی است باید مانند هر پدیده دیگری با طی مراحل مشخصی بررسی شود. ابتدا شناخت ماهیت امر و انواع آن، سپس شناخت علل و عوامل ایجاد آن، آنگاه شناسایی عوارض و عواقبش، و در انتها بررسی درمان و طرق مقابله با آن باید شناخته شود. در مورد انواع و علل بروز تورم بحث های متنوعی صورت گرفته است. هرچند که برای حل مشکل تورم با یستی این بیماری را از دیدگاه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بحث قرار داد، لیکن برای توفیق و مطالعه بهتر، لازم می آید که مورد مشخصی بعنوان یک بحث خاص مورد بررسی قرار گیرد.

مطلبی که پیش رو داریم یکی از عمده ترین عوامل موثر بر رشد سطح عمومی قیمت ها را مورد توجه قرار می دهد و آن بررسی علل و جنبه های

پولی موثر بر آن است .

هدف از ارائه این متن بررسی آثار تغییر حجم پول و نقدینگی بر جریان رشد سطح عمومی قیمت‌ها از دیدگاه تئوریک و سپس بررسی موضوع در چند سال اخیر در ایران است، تا میزان اهمیت و سهم این عامل در رشد تورم نشان داده شود و در انتها، نتیجه‌گیری و پیشنهادات مربوطه ارائه گردد .

ولی از آنجا که بحث حاضر مربوط به جنبه‌های پولی تورم است، لذا بجاست که پیرامون پول و عرضه و تقاضای آن و سیاست پولی و وضعیت آن در کشورمان در گذشته و حال سخن گفته شود. در این باره سعی میشود حتی الامکان از ورود به مباحث و نظریات پیچیده پولی و اقتصادی خودداری گردد .

پول و نقش آن در اقتصاد :

oooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooo

نوعی از مبادله کالاها و خدمات را که بدون دخالت پول انجام میگیرد سیستم مبادله پای‌پای می‌نامند. در جوامع ابتدایی، تولیدکننده‌ها کالاهای خود را به کسی می‌گفتند که هم‌کالای تولیدشده توسط وی، نیاز داشته باشد و هم‌صاحب‌کالای مورد نیاز وی باشد و مبادله‌گردانان در یک دادوستد ساده دو کالای مبادله‌کنند .

با توجه به مشکلات مربوطه در این روش، پس از قرن‌ها تکامل تدریجی دوره‌ای بوجود آمد که سیستم دادوستد بر مبنای پول ایجاد شد. ظهور پول بعنوان وسیله مبادله و حفظ ارزش، تحولی در جهان تجارت و دادوستد بوجود آورد و دوراهگشای ظهور و رشد نظام سرمایه‌داری پیشرفته امروز شد. در این نظام، پول از یک سوبه کمک‌مکانیسم قیمت‌ها راهنمای تولید است و

از سوی دیگر مشکلات مبادلات پایا پای را برطرف میسازد.

اگر پول صرفاً " وسیله مبادله می بود صددرد در خدمت بشر در

می آمد ولی علاوه بر آن نقش دیگر پول وسیله حفظ ارزش نیز میباید شد.

پول در عین حالیکه خودش حافظ ارزش کالاها و خدمات تولید شده

است خود نیز دارای ارزشی است که بوسیله عرضه و تقاضا بوجود میآید.

این جا سرآغاز مشکلاتی است که پول در دنیای سرمایه داری بوجود آورده

است. مشکل از آنجا است که پول با یتسی پلی بین حال و آینده باشد و

کلیه محاسبات با ید در قالب درآمدهای پولی و هزینه های پولی انجام

شود و اگر عرضه پول کم شود، ارزش پول در رابطه با سایر کالاها افزایش

میابد، یا به عبارتی قیمت نسبی آن بالا می رود، و بالعکس. لذا میبینیم

که چون کسی نمی تواند دقیقاً " برآورد و پیش بینی کند که در آینده، در

مقایسه با عرضه کالاها و خدمات، عرضه پول کم یا زیاد خواهد شد، لذا

میتوان گفت که پول پلی لرزان بین حال و آینده میباید شد. در نظام

سرمایه داری، پول نقشی اساسی در اقتصاد بازی میکند و پدیده های ناشی از

جمله: بیکاری، زندگی نامعلوم کارگران و ناامیدی سرمایه گذاران، سود

پرستی و زمین بازی و بالاخره بی عدالتی اجتماعی و مشکلات ناشی از تورم

محصول این عدم ثبات پول است. لذا بنظر میرسد که لازم باشد پول را که

علت العلل این نابسامانی های اقتصادی شده بهتر بشناسیم.

- تعریف پول :

شاید اراهه تعریف جامع و مانعی از پول مشکل بنظر برسد ولی

برای شناخت بهتر آن لازم است که وظایف آن را بررسی نماییم. بنا به

تعریف علم اقتصاد چند وظیفه برای پول مشخص شده است که مختصراً "

توضیح میدهیم :

۱- پول بعنوان وسیله مبادله : هما‌ن‌ط‌ور‌که‌گفته‌شد‌جهت

سهولت در مبادله خریداران و فروشندگان در فعالیتهای اقتصادی از پول کمک میگیرند و پول نقش واسطه را ایفا میکند. در گذشته بزارو سایلوسی از غلات و پوست حیوانات گرفته تا طلا و نقره و در این اواخر از اسکناس و مسکوکات غیر طلا و نقره و نیز از بزارهای اعتباری این نقش را به عهده گرفته‌اند. امروزه حجم پول در گردش، شامل اسکناس و مسکوک و سپرده‌های دیداری است و اگر شبه پول را که شامل سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار است بدان اضافه کنیم از آن بعنوان نقدینگی در اقتصاد دیا میگردد. که تقسیم بندی ویژه پول و شبه پول بخاطر درجه نقدینگی یا نقد شدن آنها صورت گرفته است.

۲- پول بعنوان معیار سنجش ارزش : مسئله اندازه‌گیری ارزش

کالاها بخاطر ایجا دتنا سب در مبادله آنها مطرح میشود. بدین معنی که معلوم گردد چه میزان از یک کالا با چه مقدار از کالای دیگر برابر می‌کند. این کار توسط پول تسهیل میشود.

در صحنه بین‌المللی ارزش هر کالای در قالب پول رایج آن کشور سنجیده شده و سپس بر اساس نرخ برابری بین دو پول، معلوم میشود که چه مقدار از یک کالا با چه مقدار از کالای دیگر معاوضه شود.

۳- پول به منزله قدرت خرید : دارندگان پول هر آن میتوانند

در هر زمان و مکانی بخشی از تولید ملی را مطالبه کنند و لذا پول بعنوان یک قدرت خرید یا طلبی است که در داخل فضای اقتصادی یک جامعه معین قابل استفاده است. البته هر قدر که اقتصاد جامعه از نظر تولیدی غنی‌تر باشد عامل موثری خواهد شد که غالباً "پول آن جامعه هم‌بمرا تیب دارای اهمیت و اعتبار بیشتری شود و عاملین اقتصادی خارجی تمایل بیشتری برای داشتن این پول خواهند داشت. تمایل به داشتن پول کشورهای

پیشرفته‌سرما یه‌دا ری‌دین خاطر است که‌دا رندگان آن در هر زمان و مکانی از مناطق دنیا قا در به‌استفاده آن هستند ولی در مورد پول یک کشور توسعه نیافته، این امر بعکس می‌باشد.

قدرت خرید پول در طول زمان ثابت نیست. خصوصا "در زمان تورم، ارزش پول در حال تنزل خواهد بود. لذا پولی قابل قبول و مطلوب عام است که قدرت خرید آن ثابت داشته‌باشد. اگر قدرت خرید پول یعنی قدرت حصول مقدار معینی از کالاها و خدمات در طول زمان نسبتا "ثابت" بماند تا میل به پس‌انداز زیادتر می‌شود. لذا ملاحظه می‌شود که نقش پول به منزله معرف قدرت خرید بسیار وسیع است.

ضمنا "پول می‌تواند جای استفاده در زمان جاری، ذخیره شده و در آینده مورد استفاده قرار گیرد. پس پول وسیله پس‌انداز و ذخیره ثروتها و حفظ ارزشهای مادی نیز هست. مشکلات متعدد برای نگهداری و انبار کردن کالاهای حفظ ارزش آنها باعث شده که نقش پول در اینباره مهمتر جلوه کند. برخلاف دو نقش اول که اعتراض و انکاری از سوی مکاتب اقتصادی پیرامون آنها مطرح نمی‌شود در مورد این نقش برای پیسول، بحث‌های زیادی مطرح است. از جمله آنکه عامل انحراف پول در وضعیت فعلی در همین جا نهفته شده است که امروزه پول را عامل قدرت فرماندهی ثروت‌مندان بزرگ ساخته است و ثروت‌اندوزی و آثار سوء آن از اینجا شکل می‌گیرد.

۴- پول به منزله ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی؛ متغیرها و

پارامترهای پولی از مهمترین ابزار سیاست‌های اقتصادی تلقی می‌شوند. اگر در اقتصاد کشوری در یک زمان مشکلی مانند عدم یکبارگی کلیه عوامل تولید وجود داشته‌باشد مسئولین قادرند که با تغییر در یک یا چند متغیر پولی، مانند مقدار پول در گردش، سطح اعتبارات یا سرعت گردش پول

نرخ ذخیره اجباری بانک ها و ... سطح فعالیت ها را تا حد مطلوب افزایش دهند .

امروزه پول به مرحله بسیار پیشرفته ای رسیده است و بانک - مرکزی تنها مرجعی است که در یک جامعه بر اساس نیازهای پولی اقتصاد حق انتشار پول را دارا می باشد . هنوز هم مسکوکات (غیر طلا و نقره) برای دادوستدهای جزئی بکار گرفته می شود ولی آنچه مهم است پول و اعتبار است که در سیستم های جدیدش پیدا " تحت اداره مقامات دولتی و پولی درآمده است .

عرضه و تقاضای پول :

oooooooooooooooooooooooooooo

تقاضای پول - یک امتیاز مهم پول در این نکته ذکر گردید که مبادله کالا بدون رویا رویی مستقیم تولیدکننده و مصرف کننده به کمک پول میتواند صورت گیرد . حال این سؤال مطرح است که در یک جامعه چه میزان پول برای انجام مبادله تولیدات لازم است ؟ این بحث تحت عنوان تعادل های اقتصادی جای خاصی در تئوریهای اقتصادی دارد . با توجه به وظایف و نقش پول که در مطالب گذشته مطرح گردید نقش پول در جهت انجام وظایف اصلی خود یعنی وسیله مبادله مورد تاکید قرار گرفت حال اگر تقاضای برای پول یعنی تمایل به جایگزین نکردن کالاهای مصرفی یا با دوام یا سایر اشکال دارایی - افزایش یا بدنشان میدهد که نقش پول در جهت حفظ ارزشها فعال تر شده است . بالعکس ، اگر تقاضای پول کاهش یابد پول در جهت نقش اصلی خود که همان وسیله مبادله و پرداختهاست فعال تیر می باشد . لذا از تقاضای پول میتوان بعنوان عاملی جهت شناختن میزان تحرک اقتصادی پول در هر نظام اقتصادی یاد کرد . این تقاضای

تابع نرخ بازدهی سائیدارایی‌ها مانند اوراق قرضه و سهام (در کشورهای پوی که بازار پولی و بازار اوراق قرضه رواج دارد) بوده و یا درجایی مثل کشور ما که فاقد این گونه شرایط است بصورت جایگزین کردن پول با کالاهای مصرفی یا دارایی‌های ثابت ظاهر میشود. لذا در شرایطی که تورم بروز میکند افراد سعی میکنند بخواطر جلوگیری از کاهش ارزش پول و در نتیجه کاهش قدرت خرید خود، از نگهداری پول خودداری کرده و سعی در خرید کالاهای بادوام بنمایند، که این خودعا ملی برای تشدید تورم است.

در هر حال هر تغییر در میل به اینکه پول بصورت نقدینه بماند یعنی تقاضا برای پول صورت گیرد و یا در عرضه نقدینگی تغییری پدید آید روی تقاضای کل و در نتیجه بر سطح فعالیت‌های اقتصادی یا بر اشتغال اثر میگذارد.

عرضه پول - حجم پول در گردش یا عرضه پول به آن بخش از پول در دست مردم یا موجود در حسابهای دیداری آنها گفته میشود و لذا فقط اسکناس و مسکوکات در دست مردم نمی باشد بلکه خصوصاً "در کشورهای پیشرفته اقتصادی، قسمت عمده عرضه پول را چک یا سپرده دیداری تشکیل میدهد. چک و ژانیه پول را انجام میدهد و نقش پول را دارا است. حساب جاری و پس انداز دیداری توسط بانکها و خصوصاً "بانکهای تجاری افتتاح میشود.

میعان و یا نقدینگی اقتصادی شامل حجم پول به علاوه شبه پول است. شبه پول عمدتاً "از مجموع سپرده‌های مدت دار و پس انداز تشکیل یافته است. روشن است که درجه نقدینگی (یا سرعت نقد شدن) پول بیشتر از شبه پول است.

در سیاست گذاری اقتصادی یک کشور در جهت دستیابی به اشتغال -

کامل یا تعادل و رونق میتوان ترکیب نقدینگی، یعنی میزان هریک از اجزاء نقدینگی، را تغییر داد و تنظیم کرد. بطور کلی همچنانکه بحث خواهیم نمود، میزان نقدینگی و حجم پول باید با تولید ملی تناسب داشته باشد و گرنه این عدم تعادل باعث بروز عوارضی از جمله تورم خواهد شد. برخی تصور میکنند که عرضه پول تنها "از سوی بانک مرکزی تعیین میگردد ولی در این مورد باید گفت عوامل دیگری هم در عرضه پول موثر واقع میشوند.

نقش وثا شربا نکهای تجاری در افزایش حجم پول در گردش :

oooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooo

طرز کار با نکهای تجاری بگونه‌ای است که آنها قادرند تا چند برا بر مجموع سپرده‌هایی که نزد آنها به ما منت گذاشته شده است اعتبار را و مدار اختیار متقاضیان قرار دهند و این کار چیزی جز تزریق پول و قدرت خرید در جامعه نیست. پس این بانکها ناشر نوع دیگری از پول هستند که از آن میتوان به عنوان پول اعتباری نام برد. برای روشن شدن این امر مثال زیر گویای مسأله خواهد بود :

فرض می‌کنیم که شخص "الف" ۱۰۰۰ ریال در یک بانک تجاری به سپرده حساب جاری واریز کند، با این کار ۱۰۰۰ ریال از پول در دست سپرده‌گذار خارج شده و به صندوق بانک منتقل میشود.

اگر بانک تمام این پول را در حساب مذکور نگه داشته و قرض ندهد در حجم پول در گردش جامعه تغییری حاصل نمیشود. و بانک صرفاً "نقش صندوق دار را ایفا میکند. ولی عملاً" بانکها سپرده‌های دریافتی را را کدنگه‌نداشته و بخش عمده این سپرده‌ها را بصورت وام و اعتبارات کوتاه مدت در اختیار متقاضیان وام قرار داده و فقط بخش کوچکی را بعنوان پول غیر-

فعال بعنوان "ذخیره قانونی" نگه می‌دارند. اگر نرخ ذخیره قانونی ۲ درصد باشد بانک ۲۰۰ ریال را نزد خود نگه داشته و ۸۰۰ ریال را بصورت وام و اعتبار به متقاضیان اعطا میکند. حال حجم کل پول قابل استفاده و برداشت به ۸۰۰ ریال می‌رسد. و این همان شروع نقش "ایجا دپول" بانکهای تجاری است. این پول در صورتی که توسط متقاضی دریافت گردد، پس از هزینه شدن، نزد سایر بانکها یا همین بانک برگشته و سپرده‌های جدید ایجا دپو می‌نماید که آنها هم به نوبه خود منشأ اعطای وام و اعتبار جدید میشوند. ————— عبارتی هر موج سپرده موجب ایجا دیک موج اعتبار شده و آن نیز به نوبه خود یک موج سپرده جدید بنیال خواهد داشت. (البته در هر دو ر قسمت — از سپرده‌ها بعنوان ذخیره قانونی از جریان خارج شده و تدریجا "از قدرت امواج کاسته میشود). جمع کل اعتبارات در مراحل متوالی برابر است با سپرده اولیه تقسیم بر درصد ذخیره قانونی یا :

$$\text{جمع کل اعتبارات} = \frac{1000}{0.2} = 5000$$

مشاهده میشود که یک سپرده ۱۰۰۰ ریالی - تبدیل به ۵۰۰۰ ریال اعتبار شد و یا بعبارتی، به ازای هر یک ریال پول از سپرده اولیه، بانک ۴ ریال، پیسول جدید بصورت اعتبار و وارد جریان کرده است. اهمیت مساله فوق وقتی روشن میشود که این امر را در مورد تمامی بانکهای تجاری تعمیم دهیم. لذا نقش اصلی بانکها در این زمینه، ایجا دچندین برابر قدرت خرید اضافی درجا معه است. البته عکس جریان فوق الذکر نیز صادق است یعنی اگر میزان سپرده بانکهای تجاری کاهش یابد، حجم پول در گردش تا چند برابر کاهش خواهد یافت. لذا کنترل اعتبارات بانکها جهت مهار تورم (۱): ذخیره قانونی؛ میزان از سپرده‌های بانکی که باید تحت این عنوان بانک مرکزی نگهداری شود. تغییر در نرخ سپرده قانونی از جمله ابزار سیاستهای پولی - بانک مرکزی بشمار می‌رود.

ملی است. بطور خلاصه این تئوری مطرح میکند که بین M و P رابطه‌ای متناسب برقرار است. یعنی با فرض ثابت بودن V و T با افزایش حجم پول، سطح قیمت‌ها بطور متناسب افزایش می‌یابد و بالعکس. مثلاً اگر حجم پول ۲ برابر شود قیمت‌ها دو برابر می‌شود و ارزش پول کاهش می‌یابد. البته پس از افزایش حجم پول درآمدها نیز دو برابر می‌شود ولی افزایش قیمت‌ها مانع از افزایش قدرت خرید می‌گردد. در نتیجه بر اساس این نظریه تورم همیشه یک پدیده پولی بوده و در نتیجه رشد با لاتر حجم پول ارزش‌ساز تولیدات بوجود خواهد آمد.

طبق "نظریه مقداری پول"، پول‌تغییری در متغیرهای واقعی اقتصاد ایجاد نمی‌کند و صرفاً "یک روغن تسهیل‌کننده نظام مبادلاتی است". البته برای این نظریه (مقداری پول) انتقاداتی وارد شده که از جمله ایراد بر فرض ثبات سرعت گردش پول و اشتغال کامل و جمعیت و سطح معاملات و نیز نادیده گرفتن علل و عوامل غیر پولی موثر بر تورم (فشار اتحادیه‌های کارگری در افزایش دستمزدها و افزایش هزینه تولید) می‌باشد.

۲- نظرات کینز - در طرف دیگر مکتب پولی، نظرات کینز

اقتصاددان انگلیسی قرار دارد. پس از مشاهده بیکاری در بین دو جنگ جهانی، اعتبار مکتب کلاسیک زیر سؤال قرار گرفت و کینز این مشکل را ناشی از نارسایی تقاضای موثر دانست و علت آن را نقصان مخارج توسط عاملان اقتصادی برشمرد و گفت که اگر این مخارج زیاد شود، تقاضای موثر زیاد شده و اشتغال نیروی کار بالا خواهد رفت.

کینز و پیروان وی اعمال سیاست مالی را در حل بحران‌های

اقتصادی موثر می‌دانند و برخلاف تاکید دسته اول بر سیاست پولی، آنان عامل موثر در حل نارسایی کل تقاضای موثر را معراده را استفاده از سیاست‌های مالی بکاررفته توسط دولت می‌دانند. لذا در نظر کینز دخالت

دولت پس از بحران های اقتصادی سالهای پس از جنگ عامل موثر در حل مشکلات عنوان گردید .

از نظریه تقاضا برای پول دارای سه جزء است : یک قسمت از پول تقاضا شده توسط مردم بجهت انجام معاملات روزمره نگهداری میشود که تابع درآمد فرد است (تقاضای مبادلاتی برابر پول) ، بخشی برای پرداختهای اضطراری و غیر قابل پیش بینی (تقاضای احتیاطی برای پول) ، و بخشی نیز بجهت انجام مبادلات سودآور نگهداری میشود که تابع بازدهی آنها و درجه نقدینگی (سرعت نقد شدن پول) می باشد .

کنیز نشان میدهد که تقاضای پول یا مقدار پول در گردش ، تابع درآمد و نرخ بهره موجود و پیش بینی شده در نظر سرمایه داری است . بطور کلی وی نشان میدهد که پول یک عامل بی طرف در اقتصاد نیست بلکه در پدیده های اقتصادی کاملاً موثر است . لکن ، در شرایط خاصی ، افزایش حجم پول تا ثیری بر تولید و اشتغال نخواهد داشت .

اثر تغییرات نقدینگی و حجم پول بر روی سطح عمومی قیمتها :

.....

با توجه به آنچه در مباحث قبلی گفته شد اینک بهتر میتوان وارد اصل موضوع شد که بطور کلی اولاً " عرضه نقدینگی در اثر چه عواملی افزایش یا کاهش یافته و ثانیاً چگونه این تغییرات روی سطح عمومی قیمتها اثر دارد و سپس وارد بررسی موضوع در کشور خودمان خواهیم شد .

بطور کلی در جستجوی علل اصلی افزایش سریع نقدینگی باید به ارقام مربوط به وضع کلی سیستم بانکی توجه کرد . عمدتاً " تغییرات نقدینگی تابع تغییرات سه عامل عمده میباشد که عبارتند از : خالص دارایی های خارجی سیستم بانکی ، خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی و اعتبارات بخش خصوصی .

پایه پولی که از سه عامل مذکور تشکیل یافته است، روی حجم پول اثر مستقیم دارد. تغییرات خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی (مثل افزایش ذخایر ارزی یا کاهش آن) و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی بیشترین اثرات را روی پایه پولی دارد. جهت اندازه گیری اثر پول در اقتصاد، متغیرهای پولی از جمله حجم پول در گردش و حجم نقدینگی و شبه پول و ذخایر بانک ها و اعتبار بانکی و غیره بکار می رفت ولی اخیراً "پایه پولی" اهمیت بسیاری یافته است. چون در نظریات پولی، پایه پولی را بعنوان حلقه زنجیری که اقدامات پولی بانک مرکزی و آثار نهایی آنها را بهم متصل می کند بکار می برند، مقادیر پولی بیش از هر چیز روی این عامل نظارت و کنترل دارند. تغییرات پایه پولی اثرات قوی و قابل بسط بیش بینی در مقدار رسمی پول دارد.

مهمترین عرضه کننده پایه پولی که در واقع اشاره به منبع پایه پولی دارد، بانک مرکزی است. لذا بانک مرکزی تعیین کننده عمده موجودی پول است که میتواند در تولید و اشتغال و سطح قیمتها اثر بگذارد. بعنوان نمونه، توزیع منابع پایه پولی در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۶۲ را در ایران مقایسه می کنیم:

توزیع منابع پایه پولی در ایران (میلیارد ریال)

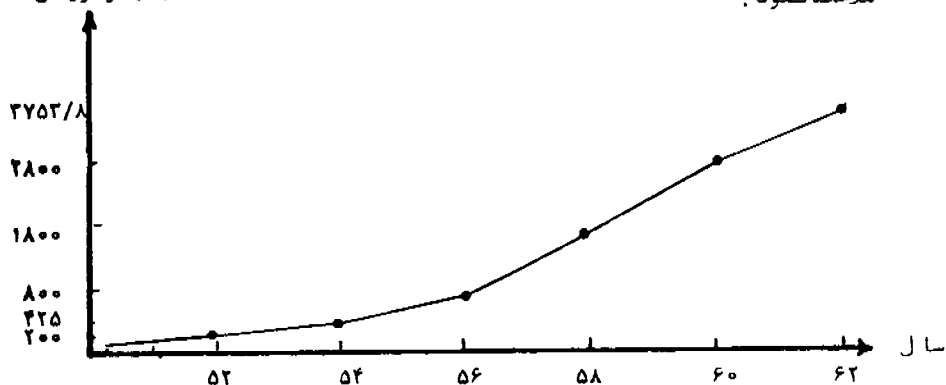
۱۳۶۲		۱۳۵۲		
درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	
۱۹/۵	۷۲۱/۱	۵۴/۵	۱۴۲/۷	۱- دارایی های خارجی بانک مرکزی (خالص)
۶۸/۱	۲۵۵۴/۵	۲۸/۴	۷۴/۱	۲- مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی
۱۲/۴	۴۶۸/۱	۱۷/۲	۴۵/۲	۳- مطالبات بانک مرکزی از بانکها (ناخالص)
۱۰۰/۰	۳۷۵۳/۷	۱۰۰/۰	۲۶۲/۰	

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی - عوامل تعیین کننده عرضه پول در اقتصاد ایران - تیرماه ۱۳۶۴ ...

تغییرات پایه پولی بین سالهای ۵۲ تا ۶۲ را در نمودار زیر می‌توان

میلیاردریال

ملاحظه نمود:

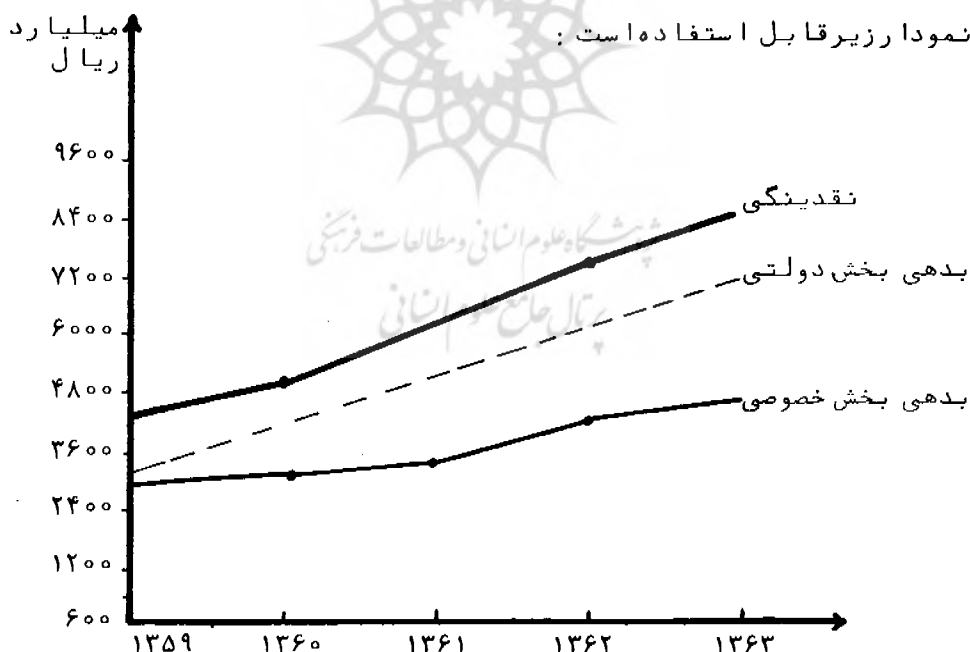


در ایران مکا نیسم تا شیردرآمدهای ارزی روی نقدینگی بها بین‌گونه است که دریافت‌های ارزی که عمدتاً "از طریق ارزش حاصل از صادرات نفت بوجود می‌آید به محض ورود به بانک مرکزی فروخته شده و هم ارزریالی آن بصورت قدرت خرید اضافی وارد اقتصاد کشور میشود. در این حالت به‌میزان از این دریافتها که برای پرداخت‌های ارزی دولت یا بخش خصوصی به سیستم بانکی بازگشته و مجدداً "تبدیل به ارزش می‌تواند از اثرات انبساطی اولیه آن بکاهد. بنا بر این مازاد این اثرات میتواند به حجم نقدینگی بیفزاید.

با توجه به بحث مربوط به پایه پولی، مکا نیسم تغییرات در حجم پول و اثر آن روی حجم سطح قیمت‌ها را میتوان از دو دید بررسی کرد:

۱- از طریق افزایش اعطای اعتبارات و وام به مردم (انبساط پول بانکی) که اصطلاحاً "آن را "پول درونی" می‌نامند. این امر سبب افزایش خالص دارایی بخش خصوصی نمیشود چون برای آن بدهی ایجاد میکند. اثر این وام از سویی توسط سرمایه‌گذاری در نظام اقتصادی اثر میگذارد، و از سویی به علت تاخیر زمانی آثار حاصله از سرمایه‌گذاری و اختلاف نهائی بین

دریافت و پرداخت وام میتواند باعث افزایش با لفعل دارایی بخش خصوصی شود که امکان تاثیر روی تقاضای موثر و قیمت‌ها وجود خواهد داشت. لیکن به جهت استفاده و امه‌ها در امر سرمایه‌گذاری و تهیه کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز آن، اثر تورم‌زایی که مربوط به تقاضای کالاهای مصرفی است ایجاد نمی‌گردد. در هر حال تغییرات وام‌ها و اعتبارات بخش خصوصی میتواند عامل عمده‌ای در تغییر نقدینگی باشد. این عامل در دوره قبل از انقلاب، در شرایط رونق اقتصادی و گسترش بسیار وسیع فعالیت‌های بخش خصوصی، تقریباً "عمده‌ترین عامل رشد نقدینگی بود ولی در دوره پس از انقلاب بعلمت رکود نسبی فعالیت‌های بخش خصوصی، فعالیت‌های اعتباری با نکمها بویژه با نکمهای تجاری، نسبتاً" را کد بوده است. لذا در طول هشت سال گذشته پس از انقلاب جمع افزایش وام‌ها و اعتبارات با نکمها به بخش خصوصی و تا ثیر آن در افزایش نقدینگی، در مقایسه با بدهی‌های بخش دولتی، به مراتب کمتر بوده است. در این رابطه نمودار زیر قابل استفاده است:



ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش شرایط اقتصادی و ترانزاکشن‌ها بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ - ص ۱۰۵.
 ۲- از طریق مخارج دولت در مقابل بدهی بخش دولتی به نظام بانکی

پول ایجاد میشود که اصطلاحاً "پول بیرونی" نام دارد. بدین معنی که دولت به لحاظ مواجه با کسری بودجه اقدام به استقرار از بانک مرکزی میکند و به طور یک جانبه پول به درون جامعه تزریق میکند. بنا بر این باعث افزایش خالص دارایی‌های بخش خصوصی و افزایش بدهی دولت به مردم میشود.

با ملاحظه اثر تورم‌زایی شدیدتر پول بیرونی نسبت به پول درونی میتوان مشاهده کرد که سطح قیمتها بیشتر از افزایش پول بیرونی با لامیرودو در مورد افزایش پول درونی اثر افزایش روی قیمتها کمتر است. مثلاً اگر ۲۰ درصد افزایش در پول بیرونی صورت گیرد بیش از ۲۰ درصد افزایش در سطح قیمت‌ها را میتوان ملاحظه کرد و برعکس اثر افزایش ۲۰ درصد در پول درونی کمتر از این میزان روی سطح قیمتهاست. در اقتصاد فعلی جهان، اغلب دولتها با مشکل کسری بودجه مواجه هستند و دولتی نمیتوان گفت که وجود کسری بودجه عامل کاملاً مضر میباشد چرا که اگر در مقابل کسری بودجه و تحمل هزینه‌های اضافی بتوان تولیدات درآینده را افزایش داد، اثرات منفی این کسری بودجه با رشد تولیدات آتی خنثی خواهد شد.

لذا کسری بودجه الزاماً "تورم‌زا نیست. این مسئله را میتوان در شرایطی که ظرفیت تولیدی اقتصاد ملی در سطح بالایی بوده و کسری بودجه نیز وجود داشته باشد در نظر گرفت. اگر رشد قدرت خرید در کسری بودجه منجر به حرکت تولیدی روزافزون تر شود آثار تورمی کسری بودجه را کمتر خواهد نمود ولی تنگنای درجائی رخ خواهد داد که این رشد قدرت خرید اضافی در اثر تنگنای ظرفیت تولیدی امکان پذیر نبوده و فزونی تقاضای موثر بر عرضه تولیدات کالاها و خدمات تورم را ببارد آورد.

برخی اقتصاددانان توسل به سیاست کسری بودجه برای ایجاد یا افزایش سطح اشتغال و درآمد اضافی تا حدنیل به اشتغال کامل را توصیه میکنند، که (۱): کسری بودجه بمعنی فزونی گرفتن مخارج دولت بر درآمدهای آن است.

مورد توجه برخی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بوده است، دخالت بیشتر دولت‌ها در امر اقتصاد محصول این سیاست است. در مورد ایران، هماهنگی‌ها که گفته شد، اصولاً "عمده‌ترین عامل افزایش نقدینگی خصوصاً" در سالهای اخیر کسری بودجه مداوم دولت و تکه‌تکه روز افزون آن به سیستم بانکی بوده است.

کسری بودجه دولت از یک طرف ناشی از قلت درآمدهای غیر نفتی و از طرف دیگر ناشی از هزینه‌های زیاد دولت است. پس از انقلاب در برخی هزینه‌های مربوط به دوران طاغوت صرفه‌جویی‌هایی بعمل آمد لیکن افزایش حقوق کارمندان قبل از انقلاب و ادامه اثرات آن، مخارج و هزینه‌های جنگی، زیان شرکت‌های دولتی و افزایش هزینه‌های ارزی دولت با بستن کارهای و وارداتی بخاطر محاصره اقتصادی و... باعث افزایش هزینه‌های جاری شد. علیرغم برخی صرفه‌جویی‌ها و به تعویق انداختن برخی از طرح‌های عمرانی، هزینه‌ها با درآمدها تناسب نداشته‌اند، زیرا درآمدهای دولت، خصوصاً "با کاهش درآمدهای زسالی گذشته، بشدت تحت تاثیر قرار گرفته و مالیاتها و سایر درآمدهای داخلی نیز نتوانسته‌اند این کاهش را جبران کند.

(درصد)

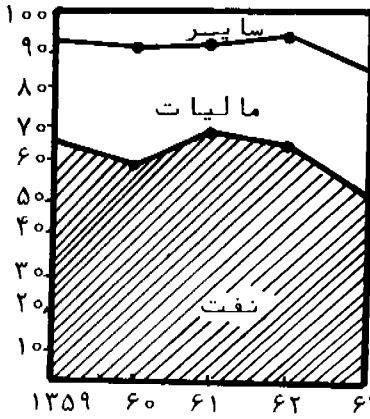
ترکیب درآمدهای دولت *

سال	۱۳۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
درآمدها	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
نفت و گاز	۶۷	۸۶	۷۹	۷۷	۷۴	۶۳	۷۲	۶۷	۶۰	۶۷	۶۴	۵۱
مالیاتها	۲۸	۱۱	۱۷	۱۹	۲۲	۲۹	۲۲	۲۶	۳۱	۲۴	۲۹	۲۲

ماخذ: اداره بررسی‌های بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۶۳ بانک مرکزی و بررسی تحولات اقتصادی.

* لازم به توضیح است که از بین درآمدهای دولت فقط دو جزء عمده یعنی درآمدهای حاصله از نفت و گاز و مالیاتها در نظر گرفته شده است.

ترکیب درآمدهای دولت



منابع: گزارش اقتصادی و ترازنامه
بانک مرکزی سال ۱۳۶۳، ص ۸۳.

لذا مسایل فوق الذکر موجب عدم تعادل در بودجه عمومی دولت شده و بودجه با کسری فزاینده ای روبرو گردیده است. جهت تحلیل بهتر از آن ما جدول زیر، تغییرات ارقام کسری بودجه را طی سالهای ۱۵۲ تا ۶۳ بررسی می کنیم.

(میلیاردریال)

سال	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
درآمد کل	۲۶۲/۸	۱۲۹۲/۲	۱۵۸۲/۱	۱۸۱۶/۲	۲۰۲۲/۲	۱۵۹۸/۹	۱۸۹۹/۹	۱۳۱۵/۹	۱۷۷۰/۱	۲۵۰۱/۹	۲۷۷۲/۷	۲۷۱۶/۸
خرج کل	۵۲۲/۲	۱۵۱۹/۲	۱۷۷۶/۹	۲۰۰۶/۲	۲۲۹۲/۲	۲۲۰۷/۸	۲۲۲۷/۹	۲۲۹۸/۲	۲۷۰۷/۱	۳۱۷۲/۹	۳۷۲۸/۰	۳۲۵۲/۶
کسری بودجه	-۲۵۹/۴	-۲۲۷/۰	-۱۹۳/۸	-۱۸۹/۸	-۲۷۰/۰	-۶۰۸/۹	-۳۲۸/۲	-۹۸۲/۳	-۹۳۷/۰	-۶۷۲/۰	-۹۵۲/۳	-۵۳۸/۸
درآمد کسری	-۲۱۱/۷	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲	-۲۲/۲
کسری بودجه	۱۲/۳	۲۰/۰	۱۰۰/۰	۰	۲۵۰/۰	۲۵۰/۰	۲۵۰/۰	۶۸۸/۶	۷۳۹/۱	۵۶۷/۲	۶۹۵/۳	۲۵۶/۰
درآمد کسری	۲۹۸/۲	۲۲۵/۹	۶۲۶/۸	۹۶۰/۲	۱۰۰۸/۸	۱۲۲۵/۳	۲۰۶۹/۲	۲۲۱۷/۲	۲۱۹۹/۲	۵۲۰/۸	۶۱۴/۱	۷۰۵۶/۲

منابع: داده‌های بودجه‌های بانک مرکزی، بررسی معمولات اقتصادی کشور و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۳.

چنانچه ملاحظه میشود کسری بودجه دولت در سالهای پس از انقلاب، بجز سالهای

۶۱ و ۶۳، سیر صعودی داشته است و به مراتب بالاتر از مقادیر سالهای قبل از

انقلاب قرا رگرفته است. کسری بودجه از سال ۱۳۵۲ تا ۵۸ روبرو شدتها دلین در این زمان بخاطر افزایش درآمدها و تقریبا "ثبیت مخارج، دولت مواجه با کاهش کسری بودجه به میزان ۱۳/۲ درصد شد. یعنی کسری بودجه از میزان ۶۰۸/۹ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۵۲۸/۳ میلیارد ریال در سال ۵۸ کاهش یافت.

در سال ۵۹ لیدلیل کاهش درآمدها که ناشی از شروع جنگ تحمیلی و کاهش صادرات نفت بود، کسری بودجه فزونی یافت و به میزان ۹۷۲/۵ میلیارد رسید (۸۴ درصد رشد).

در سال ۶۰، حدود ۳/۶ درصد کاهش در کسری بودجه ملاحظه شد، سپس بخاطر افزایش درآمدها ل ۶۱ کسری بودجه به رقم ۷۷۲/۵ میلیارد ریال کاهش یافت. در سال ۶۲ عیعلت با لارفتن مخارج ۲۳/۶ درصد افزایش، و در سال ۶۳ به علت کنترل بیشتر مخارج دولت ۳۳ درصد کاهش در کسری بودجه ملاحظه میکنیم.

– منابع تامین کسری بودجه :

آنچه بیش از همه در این بحث مورد نظر ما ست نحوه تامین کسری بودجه به لحاظ بررسی آثار تورمی آنست. منبع تامین مالی کسری بودجه دولت عمدتا "زدوراهامکان پذیراست :

الف : از طریق وام دزونی (مالیات از مردم) : تامین مالی از این

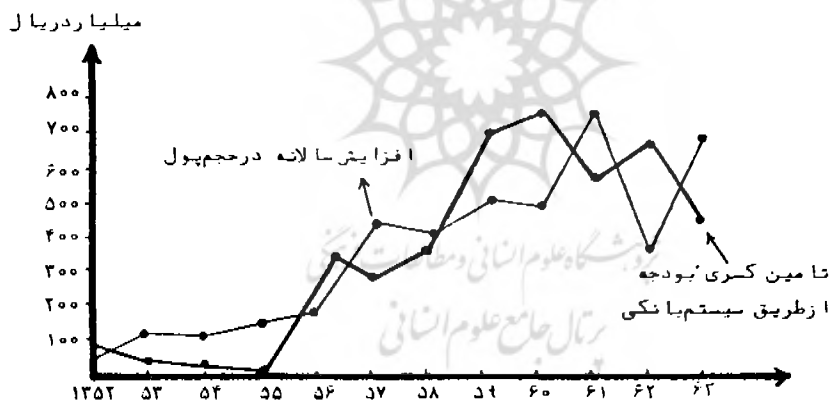
طریق آثار مثبت اقتصادی متنوعی به همراه دارد. چراکه امکانات مالی مردم را به دولت منتقل میکند و در کاهش سطح تقاضای کل موثر است.

ب : از طریق استقراض از بانک مرکزی : در ایران بیسترا از این روش

استفاده میشود و هما طوریکه بحث گردید آثار مستقیم خود را روی سطح قیمت ها برجای میگذارد. چراکه افزایش حجم نقدینگی نسبت به رشد تولیدات نتیجه ای جز افزایش سطح عمومی قیمت ها به همراه ندارد. لذا

همواره رابطه‌ای قوی بین حجم پول در گردش و سطح قیمت‌ها مشاهده می‌شود. البته تورم نیز به نوبه خود در افزایش کسربودجه موثر است چرا که تورم مخارج دولت را با لایبرده و آن‌هم موجبات افزایش بعدی حجم پول را فراهم می‌آورد که در نهایت با زورم را شدت می‌بخشد. پس از انقلاب، سهم‌تأمین مالی کسربودجه از طریق وام‌ها و اعتبارات داخلی روبه افزایش نهاد. بعنوان مقایسه می‌توان مشاهده کرد که این میزان در شش سال قبل از انقلاب ۴/۲۳۴ میلیارد ریال بوده که در شش سال پس از انقلاب به میزان ۲/۳۵۳۴ میلیارد ریال افزایش یافته است. در مقابل، استفاده از وام‌های خارجی که قبل از انقلاب حدود ۵/۷ درصد از کسربودجه را تأمین می‌کرد در دوره پس از انقلاب خوشبختانه سهم محسوسی نداشته است.

رابطه مثبت و هم جهت تأمین کسری بودجه از طریق بانک به سیستم بانکی و افزایش حجم پول در نمودار قابل رویت است:



ماخذ: اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بررسی تحولات اقتصادی کشور، اداره بررسی‌های بانک مرکزی و ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی ۱۳۶۴.

بنا بر این بطور خلاصه می‌توان گفت که با توجه به ترکیب درآمد‌های دولت و آنجا که این ترکیب بیشتر از فروش نفت متاثر است، کاهش درآمد نفت موجب تغییر در پایه پولی از طریق استقرار بانک مرکزی می‌شود و این خود باعث افزایش نقدینگی است که آن نیز به نوبه خود عامل

موثر در متغیرهای اقتصادی از جمله سطح عمومی قیمت‌هاست. در ایران، افزایش نقدینگی بیش از آنکه در بخش تولیدات کالای مصرفی و در بخش خدمات اثر گذاشته است. بدیهی است که بایستی برای به حداقل رساندن استقراض، درآمدهای دولت تا حد امکان افزایش یافته و هزینه‌های آن حتی الامکان کاسته شود. اگر دولت بتواند بودجه‌ای متعادل داشته باشد، بطوریکه تمام هزینه‌های دولت توسط درآمدهای حقیقی تامین شود، آنگاه رشد تورم متوقف می‌شود. آن بخش از درآمدهای دولت که از نفت متاثر می‌شود، بطور کامل در اختیار دولت نیست و درآمدها در اثر تغییرات قیمت جهانی نفت تعیین می‌شود. درآمدهای مالیاتی نیز به علت ناپایداری و اجرائی نامناسب مالیاتی، بطور قابل توجهی در افزایش درآمد دولت موثر واقع نمی‌شود. پس تا اصلاح نظام مالیاتی، تنها راه باقی مانده تغییر در هزینه‌های دولت است که یا با پیداکاهش یا بدینا به ناچار بخش عمده‌ای از آن از طریق استقراض تامین شود.

اگر دولت هزینه‌ها را کاهش دهد باعث کاهش هزینه‌های عمرانی، درآمد، تولید و اشتغال شده و از سویی حجم خدمات اجتماعی نظیر آموزش و پرورش و بهداشت و درمان را در قضا قرار خواهد داد. بعبارتی دولت برای جلوگیری از افزایش تورم خدماتی را که برای هرنفر ارائه می‌دهد است مجبور است کاهش دهد. اما این روش باعث بروز رکود در بخش‌های اقتصادی خواهد شد. لذا باید به این امر نیز توجه کرد که هرهای یی از دام استقراض به چه بهائی تمام می‌شود.

بررسی رابطه نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها در ایران؛

.....

جهت بررسی اثرات افزایش حجم نقدینگی، که علت عمده آن در سال‌های اخیر کسری بودجه ذکر گردید، قصد بررسی رابطه حجم پول و نقدینگی

طی دوره ۵۶-۱۳۵۲ علی‌رغم اجرای سیاستهای تعدیل‌کننده پولی، مجموعاً و اما و اعتبارات بانکیها به بخش خصوصی با رشد بسیار سریعی در حدود ۳۹ درصد در سال افزایش یافت و از حدود ۳۶۶ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۱ به حدود ۱۹۲۱ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۶ رسید. این روند افزایشی در سال ۱۳۵۷ با اوضاع نامساعد سیاسی تا حدودی محدود گردید و به ۱۷/۴ درصد تقلیل یافت و مبلغ آن به ۲۲۵۵/۴ میلیارد ریال رسید. رشد سریع و اما و اعتبارات بانکیها به بخش خصوصی همراه با آثار انبساطی شدید عملیات مالی دولت طی دوره ۵۶-۱۳۵۲، دو عامل اصلی رشد سریع تقاضای کل و نقدینگی بخش خصوصی بوده است.

در این دوره نقدینگی بخش خصوصی با رشد متوسط سالانه ای حدود ۴۰ درصد افزایش یافت و میزان آن از ۴۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۱ به ۲۱۳۹/۴ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۶ رسید. حجم پول در پایان سال ۵۶ به ۷۹۰/۴ میلیارد ریال رسید و از آنجا که در این دوره تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت رشدی کمتر از ۷ درصد در سال داشت و رشد حجم پول از ۳۷ درصد در سال نیز گذشته بود، لذا برفشارهای تورمی افزوده شد. در سال ۱۳۵۷ نیز با اوج گیری مبارزات مردم و در نتیجه گرایش به نگهداری پول نقد، سهم شبه پول در سال ۱۳۵۷ محدود گردید و در نتیجه از حدود ۳/۱ درصد در سال ۵۶ به حدود ۲/۷ درصد در سال ۵۷ کاهش یافت و حجم پول با ۵۶/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۲۳۶/۱ میلیارد ریال در آخر سال ۵۷ رسید. در این سال بعلاوه کسری موازنه پرداختها از تاثیر خالص داراییهای خارجی بر روی نقدینگی کاسته شد ولی خالص بدهی بخش دولتی و بدهی بخش خصوصی بر روی نقدینگی دارای اثرات انبساطی بود و کلاً "با احتساب سایر

عوامل، بر نقدینگی بخش خصوصی حدود ۴۷۴ میلیاردریال افزوده گردید
در سال ۵۸ نقدینگی بخش خصوصی به میزان ۹۳۷ میلیاردریال
افزایش یافت و در این سال بعلت افزایش فوق العاده سریع خالص
دریافت های ارزی بخش دولتی، خالص دارایی های خارجی سیستم بانکی
سریعا "رشد کرده و اثر مثبت بر نقدینگی داشته است." (۱)

در سال ۱۳۵۹ رشد نقدینگی بخش خصوصی نسبت به سال قبل محدودتر
شده و به حدود ۹۵۸/۱ میلیاردریال رسید. در سال ۱۳۶۰ بر رشد نقدینگی بخش
خصوصی افزوده نگردید بنحوی که افزایش نقدینگی در حد ۷۲۸ میلیاردریال
محدود ماند. در این سال نیز اثرات انبساطی بودجه دولت عامل اصلی
افزایش نقدینگی بود، لیکن نرخ رشد آن از ۲۶/۹ در سال ۵۹ به ۱۶/۱ درصد
در سال ۶۰ رسید.

کسری بودجه دولت در این سال باعث شکاف بیشترین عرضه و
تقاضا شد و بر فشارهای تورمی دامنه زد. در سال ۱۳۶۱ نقدینگی خصوصی افزایشی
معادل ۱۱۹۴/۶ میلیاردریال نشان داد. در این سال نیز اثرات انبساطی
بودجه دولت همچنان عامل اصلی افزایش نقدینگی بود و بعلت تا مین
مالی کسری بودجه از سیستم بانکی نقدینگی بخش خصوصی با ۲۲/۸ درصد افزایش
به حدود ۶۴۳۰/۷ میلیاردریال رسید. (۲)

در سال ۱۳۶۳ بعلت رکود نسبی حاکم بر فعالیت های اقتصادی،
رشد نقدینگی بخش خصوصی به شدت کاهش یافت و از ۱۶/۸ درصد مربوط به
سال ۶۲ به ۶ درصد در سال ۱۳۶۳ محدود گردید. در سال ۶۳، علیرغم کاهش کسری
(۳)

(۱): اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران -
بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب - ص ۴۱۴.
(۲): همان مأخذ ص ۴۱۵.
(۳): اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران -
گزارش اقتصادی و تراژنا مه سال ۱۳۶۳ - ص ۱۰۵.

بودجه، اتکا^۶ دولت به بانک مرکزی بیشتر شد و خالص بدهی دولت در آن سال معادل ۷۸۴/۵ میلیارد ریال افزایش یافت در حالی که این افزایش در سال ۱۳۶۲ در حد ۶۳۰/۹ میلیارد ریال بوده است. در مقابل، از دیا خالص بدهی دولت به بانک های تجاری و تخصصی کمتر از سال قبل بود و از ۱۰۸/۶ میلیارد ریال مربوط به سال ۱۳۶۲ به ۳۳/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ تقلیل یافت. در نتیجه، افزایش خالص بدهی دولت به کل سیستم بانکی از ۷۳۹/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۸۱۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ رسید. (۱)

در سال ۱۳۶۳ نقدینگی بخش خصوصی از رشد نسبتاً کمی معادل ۶ درصد برخوردار گردید و از ۷۵۱۴/۴ میلیارد ریال در پایان اسفند ۱۳۶۲ به ۷۹۶۶/۶ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۶۳ رسید. علت عمده کاهش نرخ رشد نقدینگی رشد محدود و امها و اعتبارات بانک ها به بخش خصوصی و کاهش نسبی اثرات انبساطی فعالیتهای بخش دولتی میباشد.

سهم پول در نقدینگی از ۵۱/۵ درصد در پایان سال ۱۳۶۲ به ۵۷/۲ درصد در پایان سال ۱۳۶۳ افزایش یافت. رشد حجم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص در طی سال مورد بحث به ۷ درصد محدود گردید. در حالی که این متغیر در سال ۱۳۶۲ از رشدی برابر ۱۲/۷ درصد برخوردار بوده است. سهم اسکناس و مسکوک در کل نقدینگی از ۲۵/۵ درصد در پایان سال ۱۳۶۲ به ۲۵/۷ درصد در پایان سال ۱۳۶۳ رسید و سهم کل سپرده های بخش خصوصی در نقدینگی از ۷۴/۵ درصد به ۷۴/۳ درصد کاهش یافت. (۲)

بررسی ترکیب پول در پایان سال ۶۳ نشان میدهد که سهم سپرده های دیداری در حجم پول از ۵۰/۵ درصد در پایان سال ۱۳۶۲ به ۵۵/۱ درصد

(۱): اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران -

گزارش اقتصادی و تراژنامه سال ۱۳۶۳ - ص ۱۰۷.

(۲): همان ماخذ: ص ۱۱۰.

در پایان سال ۱۶۳٪ افزایش یافت. در مقابل، سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص از ۴۹/۵ درصد به ۴۴/۹ درصد کاهش یافته است. شبه پول در سال ۶۳ با ۶/۵ درصد کاهش به ۳۴۰۹/۳ میلیارد ریال در پایان سال بالغ گردید در حالیکه سال ۶۲، بمیزان ۲۳/۷ رشد داشته است. (۱)

از عوامل موثر در تغییر نقدینگی بخش خصوصی و کاهش رشد آن، کاهش در میزان بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی و نیز تقلیل در حجم دریا فتها ی ارزی بخش دولتی میباشد.

در مورد رابطه حجم نقدینگی و سطح قیمتها با استفاده از تکنیک

اقتصادسنجی، تحقیقاتی صورت گرفته که یک نمونه از آن در رابطه زیر

مشاهده میشود: (۲)

Mt حجم نقدینگی

Pt سطح قیمتها

$$Pt = 3/393 + 1/261 Mt - 0/676 Yt - 0/126 Yt - 2124D$$

$$(4/41) (14/48) (-6/61) (-5/39) (-3/4)$$

Yt درآمد ملی

t روند

D متغیر مجازی

$$R^2 = 0/9934$$

$$D.W. = 1/395$$

علامت مثبت در ضریب Mt نشانگر رابطه مستقیم P و M است و خصوصاً " مقدار ضریب Mt قابل توجه است. چون ضریب بیش از یک نمایانگر اثر فزاینده تر M روی P است. یعنی اگر M دو برابر شود P بیش از دو برابر میشود. این همان بحثی است که پیرامون پول تزریق شده در جامعه از طریق استقرار دولت از بانک مرکزی صورت گرفت (پول بیرونی).

حال پس از بررسی تغییرات نقدینگی و علل آن و اثرات آن روی سطح قیمتها در سالهای اخیر به ترکیب اجزای نقدینگی و اثرات آنها روی تغییرات سطح قیمتها می پردازیم:

(۱): همان ماخذ - ص ۱۱۱.

(۲): رکه، آثار اقتصادی افزایش حجم پول در نظام اقتصادی، "برنامه و

شوسعه، شماره سوم، ۱۳۶۴.

ترکیب نقدینگی و تورم :

oooooooooooooooooooooooooooo

نرخ رشد نقدینگی در سالهای قبل از پیروزی انقلاب چنانچه در جدول قبل قابل مشاهده است، تورم قابل توجهی ببار آورده بود. رشد نقدینگی در سالهای اخیر بدلیل بحث شده در مباحث مربوطه، ادامه یافته ولی خوشبختانه آثار تورمی متناسب و یا مضاعف خود را بر جای نگذاشته چرا که عوامل دیگری از جمله روحیات ایثارگران در مورد بسیاری از مردم و قناعت بخاطر درک موقعیت سیاسی و اقتصادی... در عدم افزایش شدید سطح تقاضای موثر نقش داشته است.

از سویی دیگر کاهش سرعت گردش پول نیز در این امر موثر واقع شده و به علت رکود نسبی اقتصادی، تحرک لازم برای ایجاد اثر نهایی در رشد تورم ایجاد نمی گردید.

یادآوری این نکته بجاست که آنگاه رشد نقدینگی میتواند در تورم اثر جدی داشته باشد که مبدل به وسیله پرداخت در جریان گردش کالاها و خدمات گردد و وسیله تقاضا برای کالاهای مصرفی واقع شود. یا به عبارتی رجحان نقدینگی میتواند پول را در دست افراد نگه دارد و اگر کنز نشده پس انداز نگردد هر لحظه خواستار کالایی بوده و بنحوی سطح تقاضای کل جامعه را بالا میبرد. لذا لازم است که در ترکیب نقدینگی بدنبال آن جزء رفت که این نقش را بخوبی ایفا کند. در این مورد روشن است که سهم حجم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص اصلی ترین نقش را در ایجاد تقاضای اضافی میتواند ایجا د کند.

با این مقدمه ترکیب نقدینگی و اجزاء حجم پول را بررسی میکنیم و مشاهده می نمایم که: سهم اسکناس و مسکوکات (در دست مردم)، در حجم پول از سال ۵۷ به بعد به ترتیب ۵۶، ۵۶، ۵۲، ۴۹، ۴۹، ۴۵ درصد بوده است که

نسبت به ۶۵ درصد مربوط به سال ۱۳۵۷، روندی نزولی را نشان میدهد، در حالی که هنوز در سطحی بالاتر از سالهای قبل از انقلاب قرار دارد. علت نوسان سهام اسکناس و مسکوکات در دست مردم ناشی از تحولات مختلف سیاسی و اقتصادی، از جمله شروع جنگ تحمیلی و اعتماد به سیستم بانکی و... بوده است.

کاهش سهم اسکناس و مسکوک در نقدینگی با کاهش نرخ تورم هم - جهتی قابل ملاحظه ای را نشان میدهد. البته در سال ۶۲ و ۶۳ کاهش نیز در نرخ رشد حجم پول ملاحظه می کنیم به این معنی که نرخ رشد سالانه حجم پول در سال ۱۳۶۲ معادل ۱۱/۱ درصد و در سال ۱۳۶۳ معادل ۱۷/۸ درصد نسبت به سالهای قبل بودند. در نتیجه، نرخ رشد تورم که در سالهای ۵۹ و ۶۰ حول و حوش ۲۳ درصد و در سال ۶۲ و ۶۳ حدود ۱۷/۷ و ۱۰/۵ درصد تنزل میکنند. افزایش حجم پول در صورتی اثرات شدید فزاینده تری بر سطح قیمت ها میگذاشت که سرعت گردش نقدینگی ثابت نمی ماند و افزایش داشت. چرا که بر حجم تقاضای کل جامعه به مراتب بیش از آنچه هست می افزود و موجبات تورم بیشتری را فراهم می کرد. ولی بعلمت رکود نسبی در فعالیت های اقتصادی این سرعت نیز کاهش یافته است. البته این خطر بهیچ وجه رفع نشده بلکه همواره انتظار می رود که بازگشت رونق اقتصادی، گردش نقدینگی را سرعت داده و نرخ تورم را افزایش دهد.

- سیاست پولی :

oooooooooooooooooooo

هدف از سیاست پولی ایجاد تعادل بین جریان کالا و خدمات و جریان پول و جلوگیری یا درمان تورم و رکود در اقتصاد از طریق تغییر در حجم پول است، که توسط بانک مرکزی صورت میگیرد.

بطور کلی هدف مقامات اقتصادی کشورتا مین رشد متعادل کلیه

بخشهای اقتصادی اعم از بخشهای پولی یا حقیقی است. لذا آنها سعی میکنند که از کمبود و مزاد بیش از حد و سایر پرداخت در باره پولی که گاهی باعث کاهش تقاضای کل و کساد و رکود فعالیتها در بخش پدیده های حقیقی میشود، و گاهی باعث افزایش بی رویه تقاضای کل و ایجاد شرایط تورمی می گردد، جلوگیری کنند. برای این اساس، سیاست پولی نوعی درمان عرضه تورم بحساب می آید. در این راستا بانک مرکزی از ابزار سیاست پولی کمک میگیرد تا بر عرضه پول اثر گذاشته و از آن طریق بر متغیرهای حقیقی مانند درآمد و اشتغال و سرمایه گذاری اثر گذارد. معمول ترین این ابزار در نظام سرمایه داری تغییر در نرخ بهره و عملیات بازاری از دو تغییر در نرخ سپرده های بانکی های تجاری و نرخ تنزیل مجدد است که در انقباض و انبساط عرضه پول موثر واقع میشود.

سیاست پول در کشورهای " پول آشنا " یعنی در جاهایی که رابطه گسترده پول - کالا - پول وجود دارد کار برد بیشتری دارد. برعکس در کشورهای " پول نا آشنا " معلوم نیست که بتوانند اثر کار را داشته باشد.

بنظر مکتب پولی، موثرترین سیاست برای تنظیم فعالیت های اقتصادی جامعه سیاست پولی است ولی به نظر کینز، بانک مرکزی، بیکاری و رکود را با سیاست پولی نمی تواند درمان کند، چون ممکن است عرضه پول زیاد شده توسط مردم در گوشه ای کنز شود. او می گفت که آنچه در دوره رکود لازم و ضروری است سرمایه گذاری دولت است و چنانچه سابقا " ذکر شد سیاست مالی را در درجه اول اهمیت قرار میداد.

مشکل اساسی در اجرای سیاست پولی تشخیص شرایط اقتصادی میباشد تا بر اساس آن بتوان تصمیم گیری مطلوب کرد. از عوارض جنبی سیاست پولی در رفع تورم مبتلا شدن به رکود و کاهش اشتغال و تولید ملی

مرکزی گردیده و باعث شد که قدرت بالقوه اعتباری بانکها را افزایش شدیدی بدهد. سایر مکاناتی که در اختیار بانکهای تجاری قرار داده شده بود (مانند کاهش نسبت سپرده قانونی...) نهایتاً "باعث رشد تصاعدی اعتبارات بانکی گردید که حتی تصمیمات اتخاذ شده در مرداد ۱۳۵۴ برای محدود کردن انبساط پولی موفق نبود و آثار مذکور ادامه یافت و به علت اشکالات بنیانی در اقتصاد کشور، اختلالات عمده‌ای بروز کرد که اولیسن نشانه‌های آن در رکود تورمی اواسط سال ۱۳۵۶ بروز کرد و در سال ۵۷ نیز گسترش یافت.

سیاست‌های پولی پس از انقلاب: پس از انقلاب اسلامی سیاست پولی می‌بایست با توجه به اهداف اقتصادی دولت مانند افزایش اشتغال و تولیدات داخلی و توزیع متناسب درآمد و ثروت و کاهش وابستگی‌های اقتصادی بخارج... اتخاذ گردد. محور این سیاست‌ها جذب مازاد نقدینگی اقتصاد و تخصیص مطلوب آن به امر سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی بود. در سال ۱۳۵۸ سیاست نرخ بهره که مطابق با اصول اقتصادی اسلام نیست حذف گردید و حداقل سود تضمین شده برای سپرده‌ها و اخذ کارمزد اعطایی و امه‌ها و سایر تسهیلات اعتباری مقرر گردید. با محدودیت بکارگیری ابزار سیاست‌های پولی تنها ابزار بکار گرفته شده در دست بانک مرکزی جهت تعدیل نقدینگی بخش خصوصی، سیاست تغییر سپرده قانونی و تعیین حجم آن اعتباری بود.

با شروع بکار نظام جدید بانکی از ابتدای سال ۶۳ علاوه بر تعیین میزان سپرده قانونی که برای کنترل حجم نقدینگی و تسهیلات اعطایی بکار می‌رود، تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت و تعیین جوایز غیر ثابت نقدی و جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه و تعیین حداکثر مجموع تسهیلات اعطایی

بانکی درهریک از بخشهای اقتصادی از جمله بازارهائی است که در دست سیاست گذاران پولسی سیستم بانکی قرار گرفته است، که بررسی عملکرد این نظام خودنیا ز به بحث مستقلی دارد. علیرغم وجود این ابـزار و روشها تنها به شرط اعمال سیاست های مالی و ارزی و پولی هماهنگ در جهت صرفه جویی در هزینه های دولتی و افزایش ظرفیت تولیدی کشور و کاهش اتکاء به نفت است که میتوان انتظار داشت بانک مرکزی در ایجاد تعادل بین جریان کالاهای و خدمات و جریان پول نقش موثر و اصلی خود را ایفا کند.

❖ پیشنهادات :

۱ - در مورد تئوری های پولی رایج در غرب و استفاده از آن در ایران بایستی گفت که در شرایط حاضر اقتصاددانان ؛ بایستی تئوری های اقتصادی خرد کلان و توسعه و رشد پول و بانکداری و غیره را توأم با مطالعه بر شرایط عینی کشورمان بررسی کرده تا امکان استفاده از یک یا ترکیبی از آنها را بیا بیم که احیاناً " راهنمای علمی در حل مسایل اقتصادی ما باشد. البته این نظرات در چارچوب اصول و اهداف اقتصادی اسلامی باید مطرح گردد و اهداف عالیه آن بر این روشها و تکنیک های علمی حاکم باشد. در هر حال راجع به تورم باید دید که کدام عامل تورم زا بوده و کدامیک از روشها قابل سیاست گذاری هستند و کدامیک نیستند. بنظر میرسد که چون علت واحدی در کار نباشد لذا ترکیبی از سیاست های درآمد و قیمت و بودجه میتواند کمک کند. هرچند که برخی علل اولویت بیشتری دارند.

۲ - در مورد کسری بودجه، گرچه بظاهر برای درمان تورم که بیشتر در مورد جنبه های پولی آن سخن گفتیم در نگاه اول سیاست پولی مناسب بنظر میرسد ولی بدلیل تاثیر پذیری تورم از جانب کسری بودجه در شرایط فعلی، سیاست های پولی از کار آیی کامل برخوردار نبوده و ترکیبی از سیاست های پولی و مالی هماهنگ خصوصاً " در جهت تحولات اساسی در کسری بودجه لازم بنظر میرسد.

دولت بایستی توجه خود را بیشتر به سوی درآمدهای خود معطوف سازد. چرا که کاهش هزینه های دولت موجب کاهش خدمات اجتماعی و محروم شدن بیشتر مستضعفین از امکانات فعلی شده که با اهداف

انقلاب اسلامی سازگار نیست. لذا دولت با یستی هرچه سریع‌تر در پی طراحی کوتاه مدت و بلندمدت ترکیب درآمدی مناسب باشد تا هزینه‌ها از طریق منابع سالم اقتصادی جبران گردد. هرچند که این امر نمی‌تواند به یکباره حل شود ولی توجه دولت باید معطوف به جریان تغییر ترکیب درآمدی خود باشد. نظام مالیاتی نیا زمند به یک دگرگونی با توجه به اهداف اقتصاد اسلامی است که لازم است علماء و محققین در بعد فقهی و کارشناسان اقتصادی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشور مطالعات لازم را انجام دهند و جهت اصلی نظام مالیاتی را علاوه بر در نظر گرفتن منبع درآمدی یا تأمین هزینه‌ها، مسأله تنظیم جریان سرمایه‌ها، با توجه به هدف توزیع عادلانه درآمد و ثروت قرار دهند.

۳ - در مورد ما زاد عرضه پول یا اصطلاحاً "سرمایه‌های سرگردان در کوتاه مدت :

- میتوان با سیاستهای انقباضی از سوی بانک مرکزی (افزایش نرخ ذخیره قانونی) سعی در جلوگیری از افزایش عرضه پول و بسط پول بانکی نمود، تا ما زاد منابع در اختیار بانکهای تجاری کنترل و جذب گردد.

- و نیز دقت نظر در نحوه استفاده دولت و موسسات تابعه از اعتبارات بانک مرکزی صورت گیرد.

- دقت نظر کافی در اعطای وام‌های تجاری و مصرفی و توجه به پیمای‌های وام‌های حساب نشده و نسنجیده
- شدت عمل قوه قضائیه در رابطه با احتکار و سوء استفاده‌های اقتصادی.

در بلندمدت :

- تعیین هرچه سریع‌تر تکلیف‌مسائل مهم اقتصادی مانند مالکیت و حدود فعالیت‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی و دولتی ...
- تجدید نظر اساسی در بودجه دولت و کاهش اتکال به سیستم بانکی که بحث گردید.

- برنامه‌ریزی بلندمدت در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و تعیین محورهای هدایت سرمایه جهت تأمین مخارج و تقویت بخشهای تولیدی و اساسی اقتصاد کشور.

آنچه در این مباحث گفته شد فقط ناظر به نقدینگی و تقاضای کل میباشد، لکن بدیهی است این اقدامات به تنهایی قادر به حل قطعی و بنیانی تورم نبوده و لازم است در زمینه افزایش عرضه و تنظیم نظام منطقی توزیع نیز سیاست‌های همه جانبه‌ای انجام شود.

امید است که عارضه تورم با توجه به شناخت ماهیت و علل و عواقب آن و طراحی برنامه‌های کوتاه مدت و خصوصاً "بلندمدت درمان گسردده"، چراکه ریشه‌های آن را اساساً "باید در بنیادهای اقتصادی جستجو کرد و توجه اصلی ما به حل آنها باشد".

مآخذ:

oooooooooooo

- ۱ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و تراژنا مه سال ۱۳۵۴. تهران بانک مرکزی ایران، ۱۳۵۵.
- ۲ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و تراژنا مه سال ۱۳۶۱. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
- ۳ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و تراژنا مه سال ۱۳۶۳. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
- ۴ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش بررسی کلی تورم. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
- ۵ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش عوامل تعیین کننده عرضه پول در اقتصاد ایران. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
- ۶ - اداره بررسیهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.
- ۷ - تروی شیک ج. ۱۰. تورم راهنمایی بر بحران در تئوری اقتصاد

معاصر، ترجمه حسین عظیمی و حمیدرضا مقارزاده، موسسه انتشارات
امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۸- ژاکمن، الکی، تولکان، هانری، مبانی علم اقتصاد، ترجمه دکتر
منوچهر فرهنگ، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴.

۹- کتابی، احمد. تورم. تهران: ۱۳۶۰.

۱۰- مجتهد، احمد، پول و بانکداری. تهران: جزوه درسی دانشگاه علامه
طباطبایی، ۱۳۶۳.

۱۱- منتظرا لظهور، احمد. اقتصاد خرد و کلان. تهران: انتشارات
دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۱۲- منتظرا لظهور، احمد. مقدمه‌های برسیاست‌های اقتصادی. انتشارات
دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۱۳- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. نظری اجزای برجسته‌های
اقتصادی تورم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی،
۱۳۶۴.

۱۴- نیلی، مسعود. فصل نامه برنامه و توسعه. تهران: وزارت برنامه و
بودجه. شماره سوم. مقاله ص ۸۹، ۱۳۶۴.

۱۵- نیلی، مسعود. فصل نامه برنامه و توسعه. تهران: وزارت برنامه و
بودجه. شماره نهم. مقاله تورم، ۱۳۶۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی